

پرستوهای موساد قسمت سوم (پرستو و هادی)

□ آیا پرستو ها تنها به شکار میروند؟

پاسخ این سوال بسیار وسیع و گسترده است و از حوصله ی نوشتن و خواندن خارج است. اما اگر بخواهم بصورت کلی و مفید باشد عرض کنم که □□

□ محال است پرستویی تنها و بدون پشتیبانی وارد عملیات های #دام_عسل شود.

(تاکید میکنم پاسخ به این پرسش فقط در حوزه ی عملیات دام عسل است.)

از بحث خارج نشویم...

□ عموما برای هر پرستویی یک #های تعریف میشود

□ های کیست؟ و چه وظایفی دارد؟

□ #های به مامورانِ ویژه اطلاعاتی و کارمند #سازمان_اطلاعات گفته میشود و یک منبع اطلاعاتی که حوزه ی کاری او هم عملیاتی است و هم اطلاعاتی.

(لازم به ذکر است که های مذکر است. و از قدرت بدنی و هوش خوبی برخوردار است.)

#های وظیفه ی حمایت کردن غیر مستقیم از پرستو ها را برعهده دارد.

ارتباط پرستو با های نباید قطع شود زیرا منبع اطلاعاتی تغذیه کننده ی پرستو ها ، فقط های ها هستند. و در صورت قطع این ارتباط پرستو موظف است پلن های دیگر را آزمون کند تا بتواند وقت بخرد که مجددا ارتباطش را برقرار کند.

△ □ پرستو ها طوری آموزش میبینند که براحتی میتوانند تمایلات جنسی خود را مدیریت کنند.

□ در اصل تشنه نگه داشتن دام ها بهترین حربه ی آنهاست.

آنها بخوبی از مدیریت جنسی خود برمیایند و تا جاییکه ممکن است از برقراری رابطه ی جنسی مستقیم امتناع میکنند.

زمانیکه شکار در اوجِ تحریک جنسی است او را به ترفندهایی عمدا رها میکند.

□ این رو هم بدونید گرفتن اطلاعات امنیتی_سیاسی از یک دام_سیاسی که خودش آموزش دیده و با تجربه است هرگز کار ساده ای نیست.

از رُمانتیسسم انقلابی تا سکولاریسم رُمانتیک!

سعید حجاریان در امریه‌ای نوین بمنظور بسیج مردم و در پروای جنگ محتمل آمریکا با ایران (!) جنبش اصلاحات را فراخوانده تا سازمان‌دهنده تشکلی تحت عنوان «نیروی مقاومت صلح‌طلب» شوند تا از این طریق به جهان گفته شود جنگ‌ها چه عواقبی دارند از جمله آنکه پس از حمله آمریکا به عراق چندین هزار کودک کشته و زخمی شدند بی‌آنکه اثری در افکار عمومی جهان به‌جا گذاشته باشد حجاریان در ادامه گفته:

این مدل به سایر کشورها قابل تعمیم است و تفاوتی ندارد کودک‌کشی و بی‌خانمانی و قحطی و ویرانی در چه نقطه‌ای اتفاق بیفتد. هر چند دغدغه ضدجنگ و همه‌ صلح دوستانه حجاریان ممدوح است اما مقبول نیست.

حجاریان در حالی در امریه نوین‌اش کودک‌کشی و بی‌خانمانی و قحطی و ویرانی را بصورت عام و بیرون از چیستی و کجائی و چرائی هر جنگی امری غیر قابل دفاع و مذموم معرفی کرده که تا پیش از این «جنبش اصلاحات تحت امر ایشان» طلایه دار شعار «نه غزه نه لبنان – جانم فدای ایران» بود و مصطفی تاجزاده همسنگر قابل وثوق حجاریان با توسل به شعار «سوریه رو رها کن» معترض مبارزه نیروهای سپاه در دفاع از مردم سوریه بودند.

چنین تَلَوّنی را نباید ناشی از تذبذب و نفاق ایشان دانست بلکه ریشه آنرا می‌توان در بسآمد اجتناب‌ناپذیر انقلاب اسلامی واکاوی کرد که بصورت طبعی گریبانگیر آن بخش از انقلابیون شد که دلبستگی و پیوستگی‌شان به انقلاب اسلامی قبل از آنکه ناشی از تظنن به مبانی معرفت‌شناختی «انقلاب خمینی» و «خمینی انقلاب» باشد بدون عمق اندیشگی صرفاً محصول قلیان و برون ریخت احساساتی شیداوشانه به «خمینی انقلاب» و «انقلاب خمینی» بود.

بدین اعتبار رویش و رُمبش و جوشش سینوسی چنین افرادی در مسیر انقلاب را می‌توان در حد فاصل «رُمانتیسسم انقلابی» تا «سکولاریسمی

رُمانتیک» معنایابی کرد که حسب اقتضا در جوگرفتگی (هیستری یونیک – Histrioni) مبتلابه ۵۷ ازدواج‌شان را در نامتعارف‌ترین شکل ممکن در مسجد برگزار می‌کردند (تاجزاده) و آنک با مراودات عاشقانه از زندان دهه ۹۰ می‌کوشیدند در پیرانه سری دست به بازیافت سال‌های از دست رفته محسوب شده خود در رُمانتیسیم انقلابی دهه ششت‌شان بزنند. بر این منوال نُرمالیزاسیون مطمح نظر جاریان پیش از آنکه روال‌مند کردن انقلاب اسلامی را افاده کلام کند اسم رمزی جهت استتار «آنر مالی» آن بخش از اصحاب انقلاب را تداعی می‌کند که مبتلایان از این طریق مایلند ناراستی قامت خود با استقامت انقلاب اسلامی از طریق شکستن آئینه‌ها، فرافکنی کرده باشند.

#داریوش سجادی

ترمینولوژی قیام ۱۵ خرداد

□ پاسخ به ادعای محمد رضا پهلوی در مورد اینکه: (انقلابیون قیام #۱۵_خرداد برای قدرت گرفتن از عناصر خارجی پول می‌گرفتند؟ یا حمایت مالی می‌شدند)

□□□□□□□□□□□□

می‌خواهیم به بخشی از تاریخ انقلاب گریزی بزنیم و تحلیلی داشته باشیم که بسیار پررنگ است اما تحلیل‌های آکادمیکِ اندکی دارد. پس نگاهی ترمینولوژی قیام ۱۵ خرداد سال ۴۲ که اولین تاریخ نوشت انقلاب است خواهیم داشت. انقلابی که ۱۵ سال بعد در سال ۵۷ به ثمر نشست.

□ دو عامل اصلی، بازوهای محرکِ آغازین انقلاب بودند.

(۱) روحانیت-□ نقش رهبری و پیش‌برنده و مدیریت توده‌های مردمی را بر عهده داشتند.

(۱) بازاریان-□ با تشکیل دادن کمیته‌های رفاهی که حدود ۴۵ کمیته در شهرهای مختلف بود از خانواده‌های؛ زندانیانِ سیاسی، شهدای #۱۵_خرداد و تهیه‌ی نوارهای سخنرانی و پوسترها.. حمایت مالی می‌کردند.

در کنار این دو عامل اصلی، بدنه‌ی توده‌های مردم را هم در نظر بگیرید.

و اما سوال اصلی

آیا انقلابیون به گفته ی #محمد_رضا_پهلوی برای قدرت گرفتن از عناصر خارجی حمایت مالی میشدند؟

با نگاهی به مطبوعات همان سالها #محمد_رضا_پهلوی مدعی شده بود که انقلابیون از « جمال عبدالناصر* » برای شورش های خیابانی پول گرفته بودند؟

سوال اینست که؛ هدفِ پهلوی از هایلایت کردن نام « جمال عبدالناصر» در آن سالها چه بوده است؟

با ۴ دلیل عمده ادعای مطرح شده را رد میکنم

(۱) سال ۱۳۴۲ اوجِ قدرت عبدالناصر بود و مروجِ « ناصریسم»

Δ ناصریسم؛ یک جنبش ایدئولوژیک در جهان عرب بود و بشدت بر هویت عربی منطقه تاکید داشت.

پس عبدالناصر یک خطر بزرگ هم برای ایران بود و هم برای هم پیمانش یعنی اسرائیل، زیرا هر دو حکومت غیرعرب بودند، به همین خاطر توپ رو باید تو زمین عرب ها می انداخت که عدم کفایت خودش را کاور کند.

(۲) با ایجاد تفرقه بین مذاهب شیعه و سنی سعی در مدیریت توده ی مردم داشت طوری که #محمد_رضا_پهلوی تاکید کرده بود(مردم و روحانیت از عبدالناصری پول گرفتند که هم سنی مذهب است و هم حکومتی سنی را اداره میکند)

(۳) با ایجاد اختلاف بین روحانیت شیعه و عمدا جریحه دار کردنِ بازاریان که هزینه های مالی زیادی را پرداخت کرده بودند سعی بر بی اثر نشان دادنِ ابعاد قیام #۱۵_خرداد داشت تا از این کانال بتواند بین بازاریان و روحانیت زاویه ایجاد کند.

(۴) در نهایت خدمتون عرض کنم که: « کل ماجرا چیزی جزء ضعفِ تئوریک مشاورانِ پهلوی نبوده و نیست».

* (جمال عبدالناصر؛ دومین رئیس جمهور مصر بود و تا هنگام مرگ ۱۴ سال قدرت داشت.)

پرستو مروجی

غُرَش در جنگل!

مواضع پان‌دولی ترامپ نسبت به ایران از منتهی‌الیه خصومت و قلدری و جنگ‌طلبی تا آغوش گشائی و گشاده‌روئی جهت مذاکره و بهبود رابطه با تهران، موید زوال تصمیم‌گیری ناشی از افول «قدرت و مهارت» ابرقدرتی است که زمانی کمترین ترشروئی‌اش، انگاره غرش شیری در جنگل را تداعی می‌کرد که به درنگی «جنگلیان» را در پروای قهاریت و قاهریت «سلطان» به صرافت خاکساری و چاکرسالاری می‌انداخت و اکنون «سلطان دیروز» بی‌حرمانه خود را در تله «فراست و تدبیر» و «چابکی و چالاکی» حریفی تازه نفس، نالان و ناتوان می‌بیند.

غرش در جنگل یا «the Rumble in the Jungle» گزاره ای بود که اکتبر ۱۹۷۴ و بعد از مسابقه بوکس سنگین‌وزن جهان بین محمدعلی کلی و جورج فورمن فضای رسانه‌ای آمریکا را تسخیر کرد و علاقه‌مندان به ورزش بوکس را مفتون هنرنمایی زیرکانه «کلی» در مصاف با «فورمن شکست‌ناپذیر» کرد.

محمدعلی در آن مسابقه ضمن تطفن به «قدرتمندی ناچالاکانه فورمن» و علیرغم اشتهارش به رقص‌پائی زیبا لیکن در رقابت مزبور بجای مشت‌های فولادین، فورمن را مقهور تدبیر خود کرد و عامدانه طی ۸ راند تنها در گوشه‌ای از رینگ گارد دفاعی گرفت و با جاخالی‌هایی بموقع فورمن را آزاد گذاشت تا هر اندازه می‌تواند با کوبش مشت‌های سنگین خود به گارد بسته‌اش انرژی خود را از دست داده و در میانه راند هشتم بود که «کلی» در بهترین فرصت مقتضی و در اوج بى‌رمقی تحمیلی به فورمن ناغافل آن غول شکست‌ناپذیر رینگ را با مشتی مهیب و سنگین نقش بر زمین و «ناک‌اوت» کرد!

ترفندی که اینک ایران نیز حاذقانه آن را در مصاف با ترامپ بکار گرفته و ضمن بی‌وقعی به هم‌آوردخواهی کاخ سفید موفق شده آمریکائیان را در زمین سیاست و نظامیگری مبتلا به یک‌ه‌ایپراکتیوی مشعوفانه کند تا از قبال آن «خویش‌شیدائی» انرژی ترامپ و مردانش را تخلیه و بزنگاه فراغ برای پایان شکست‌ناپذیری واشنگتن را بسترسازی کند.



راند هشتم تهران و واشنگتن برخلاف رویکرد قلدرانه آمریکائی‌ها، راند تدبیر است. تدبیری که قبل از بازوانی فولادین، مردانی فهیم را می‌طلبد.

فراستی که ایرانیان بدان شهره‌اند و با همان ترفند «تهمتن» شاهنامه‌شان در مصاف با «اکوان دیو» آنگونه آن پلشتی را فریفت و سر بُرید که:

به دریا نباید که اندازیم، کفن سینه ماهیان سازیم
به کوهم بیاندار تا ببر و شیر، ببینند چنگال مرد دلیر

#داریوش سجادی